



سن ازدواج؛ عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن

پدیدآورنده (ها) : رجبی، عباس

- ۶۸۳۱ ادیان ، مذاهب و عرفان :: نشریه معرفت :: فروردین ۲۱۱ (ISC)

۴۳۱ از ۴۵۱ شماره

آدرس : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۱۰۹۳۸۶> تا

ثابت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

سن ازدواج عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن

عباس رجبی

(دانش‌آموخته حوزه علمیه قم؛ کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی)

چکیده

بالا رفتن سن ازدواج یکی از معضلات مهم جوامع بشری است؛ زیرا با افزایش سن ازدواج، جوانان از شیوه بهنجار رضای غریزه جنسی و آثار و فواید آن محروم می‌شوند. در جوامع گذشته پسران و دختران با رسیدن به سن بلوغ، یا کمی بعد از آن اقدام به ازدواج می‌کردند و مجرد ماندن یک نقص اجتماعی محسوب می‌شد. اما با پیچیده‌تر شدن جوامع و ایجاد خواسته‌ها و انگیزه‌های کاذب، ذائقه اجتماعی تغییر یافت و به تبع این تغییر ذائقه، نیاز طبیعی و غریزی به ازدواج سرکوب و این روند، تا جایی پیش رفته که امروزه در بعضی جوامع غربی، جوانان بکلی از ازدواج سرباز زده‌اند و آن را مانعی برای آزادی خود تلقی می‌کنند. تنها زمانی به ازدواج روی می‌آورند که نشاط جوانی را از دست بدهند و نیازمند یک پرستار یا مراقب هستند. متأسفانه این فرهنگ اشتباه جوامع اسلامی از جمله جامعه اسلامی ما رانیز تحت تأثیر خود قرار داده است، به گونه‌ای که افزایش رو به تزاید سن ازدواج در کشور، مشکلات فراوانی به دنبال داشته است. مشکلاتی همچون افسردگی و از بین رفتن نشاط در جوانان، ابتلا به وسواس زیاد در انتخاب همسر، مشکل آفرینی فرزندان بزرگ و ازدواج نکرده در خانه، افزایش اضطراب و نگرانی - به خصوص در دختران - بلا تکلیفی، از دست رفتن طراوت و زیبایی، ناامیدی و تصمیم به عدم ازدواج به خاطر کاهش میل به ازدواج، بی‌دقتی در انتخاب همسر، احتمال افزایش انحرافات، و ده‌ها مشکل از این قبیل که جوانان ما را، به چالش کشانده است. (۱)

از این رو، بر همه مسئولان و دست‌اندرکاران مسائل اجتماعی لازم است به این مسئله به عنوان یک مشکل فوری نگاه کنند و تمام همت و تلاش خود را برای رفع آن مصروف نمایند.

کلید واژه‌ها: سن، ازدواج، غریزه جنسی، افسردگی، کاهش میل به ازدواج، تزاید سن ازدواج.

سن مناسب ازدواج از دیدگاه اسلام

گرچه در اسلام سن مشخصی برای ازدواج مقرر نگردیده است، اما احادیث منقول از پیامبر اکرم و اسامان معصوم علیه السلام و سیره عملی آن بزرگواران، شواهد گویایی بر اهتمام ایشان در تعجیل امر ازدواج است. از نظر قرآن، ازدواج مایه آرامش روح و روان آدمی است و خود از نشانه‌های رحمت و بزرگی خداوند است. (۲)

تشویق به ازدواج، بخصوص در سن جوانی و کراهت اسلام از تجرد و رهبانیت، در بسیاری از سخنان معصومان علیهم السلام آمده است. آثاری همچون بزرگداشت سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، (۳) قرار گرفتن در ولایت و حمایت خداوند، (۴) به خشم آمدن شیطان، (۵) حفظ و کامل شدن ایمان جوانان، (۶) مضاعف شدن ثواب عبادت، (۷) زیاد شدن روزی، (۸) و مانند آن، در کلام معصومان علیهم السلام از برکات ازدواج شمرده، و از کسانی که اسباب ازدواج جوانان را فراهم می‌کنند، تمجید شده است. (۹)

همچنین تجرد و تأخیر در امر ازدواج در بعضی روایات مردود دانسته، و تأکید شده است که هیچ چیز نباید موجب تأخیر ازدواج شود، حتی فقر. (۱۰)

روایتی مردان بدون همسر را سرزنش می‌کند، (۱۱) و تجرد را سبب شرور شدن می‌داند. (۱۲) در روایتی دیگر می‌خوانیم: یکی از حقوق فرزند بر پدر، آن است که پس از بالغ شدن، او را به ازدواج درآورد، (۱۳) و در روایت دیگر، به کسانی که صاحب دخترند سفارش می‌کند در ازدواج دخترانشان تعجیل کنند: امام رضا علیه السلام می‌فرماید: جبرئیل امین بر

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: ای محمد صلی الله علیه و آله پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: دختران باکره مانند میوه درختان هستند و همان‌گونه که میوه وقتی می‌رسد، چاره‌ای جز چیدن ندارد، وگرنه تابش خورشید و وزش باد آن را فاسد می‌کند، دختران باکره هم وقتی به سن بلوغ و ازدواج می‌رسند، چاره‌ای جز ازدواج ندارند، وگرنه از گرفتار شدن به فتنه و انحراف، در امان نیستند. آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را جمع کرد و به منبر رفت و پیام پروردگار عزیز و بلندمرتبه را به آنان ابلاغ نمود. (۱۴)

همچنین روایت دیگری بهترین سن ازدواج دختران را ابتدای سن بلوغ می‌داند. (۱۵)

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت: اسلام در الگوی مطلوب خود، پایین بودن سن ازدواج را اصل می‌داند. در عین حال، مشکلات ناشی از ازدواج‌های زودهنگام را نادیده نمی‌گیرد و در جهت رفع آنها کوشش می‌نماید. (۱۶) روشن است که با گسترش برنامه‌های آموزشی، بهداشتی و فرهنگی و نیز بهبود وضع اقتصادی مردم، بسیاری از این مشکلات مرتفع خواهند شد.

نتایج تحقیقات تجربی وینچ (Robert F. Winch) در جامعه آمریکا نیز تا حدی با این جهت‌گیری همخوانی دارد. به گفته وی، مشکل ازدواج زودهنگام از خود آن بر نمی‌خیزد، بلکه برخاسته از عدم آمادگی برای پذیرش تعهدات ازدواج و نقش‌های ناشی از آن است. از این‌رو، ازدواج‌های زودهنگام در دو حالت کاملاً رضایت بخش‌اند:

الف. عوامل اجتماعی

زندگی اجتماعی گرچه یکی از ضروریات حیات انسان است، به گونه‌ای که بشر بدون اجتماع قادر به ادامه زندگی نیست، ولی با این حال، اگر در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اداره جامعه، دقت کافی نشود، مشکلات زیادی به وجود می‌آید. برخی از عوامل افزایش سن ازدواج به مسائل اجتماعی برمی‌گردد:

۱. افزایش جرایم و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی؛ بالا رفتن جرایم و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی مانند: اعتیاد، بی‌بند و باری، همسرآزاری، طلاق، روابط سرد همسران، دخالت اطرافیان و مانند آن، نه تنها موجب از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها شده، بلکه موجب سلب اعتماد جوانان از ازدواج گردیده و سبب شده است جوان امروز به ازدواج به عنوان عامل خوش‌بختی، نگاه نکند و سرنوشت خود را به کسانی که در دام این آسیب‌ها گرفتار شده‌اند، تشبیه کند. وقتی جوان به اطراف خود می‌نگرد و ازدواج‌هایی را می‌یابد که پس از مدت کوتاهی دچار بحران می‌شوند و هر یک از پسر و دختر اظهار پشیمانی می‌کنند که چرا زود خود را در این دام انداختند، انگیزه خود را از دست می‌دهد و اجازه نمی‌دهد آزادی او به خاطر این سنت اجتماعی به خطر افتد. بخصوص در مواردی که افراد در ازدواج شکست بخورند، نسبت به دوستان مجرد خود احساس مسئولیت می‌کنند و سعی می‌نمایند آنها را از دچار شدن به سرنوشت خود باز دارند. در این وضعیت، طبیعی است که برخی دختران و پسران

۱. آنجا که افراد نوجوان آمادگی پذیرش نقش‌های بزرگ‌سالان را دارند؛ مانند اعضای قشرهای پایین در جامعه آمریکا که در مشاغل غیرماهرانه یا نیمه‌ماهرانه اشتغال دارند.

۲. آنجا که انتظار نمی‌رود چنین نقش‌هایی را بپذیرند؛ مانند اعضای قشرهای بالا که معمولاً از سوی والدین حمایت مالی می‌شوند.

اما زمانی که از جوانان در ابتدای ازدواج انتظار می‌رود که به لحاظ اقتصادی مستقل باشند، اما وسائل ضدبارداری به خوبی استفاده نمی‌شوند و فقط آموزش بلند مدت متداول است، ازدواج زودهنگام آثار منفی در پی دارد. (۱۷)

عوامل افزایش سن ازدواج

با پیچیده‌تر شدن جوامع، انتقال از دوره کودکی به بزرگ‌سالی دشوارتر و مستلزم کسب آموزش‌ها و مهارت‌های بیشتری گردیده است. فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی - اقتصادی در جوامع جدید، محسوس‌تر گشته و خود را در طولانی شدن دوره نوجوانی و افزایش سن ازدواج نشان داده است. به هر تقدیر، سن ازدواج در هر جامعه‌ای بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص آن جامعه تعیین می‌گردد. سن ازدواج نه تنها در جوامع گوناگون متفاوت است، بلکه در جامعه‌ای واحد نیز در طول زمان، ثابت نمی‌ماند و بر طبق شرایط یاد شده، کم و زیاد می‌شود.

کارشناسان امور اجتماعی عوامل زیادی برای افزایش سن ازدواج عنوان کرده‌اند که ما این عوامل را در سه بخش عمده، مطرح می‌کنیم:

جوان تحت تأثیر قرار گیرند و نسبت به ازدواج بدبین شوند.

۲. طولانی بودن تحصیلات دانشگاهی: طولانی بودن مدت تحصیلات دانشگاه و افزایش نسبت دختران به پسران، که طبق بعضی آمارها تنها ۳۵/۴۳ درصد کسانی که در کنکور شرکت می‌کنند، پسر هستند،^(۱۸) سبب شده است اولاً، اغلب پسران و دختران تا پایان تحصیلات و بعد هم تا هنگام اشتغال، از ازدواج سرباز زنند. ثانیاً، دختران به علت داشتن تحصیلات دانشگاهی، حاضر به ازدواج با پسران پشت کنکور مانده نباشند و درصد بالایی از آنان بدون همسر بمانند، یا به ازدواج ناخواسته تن بدهند؛ چنان‌که امروز شاهد این معضل هستیم.

در جوامع سنتی، بیشتر فنون و مهارت‌ها در خانواده و به صورت غیر رسمی به نسل جدید آموخته می‌شد و کودکان غالباً وقتی به سن نوجوانی می‌رسیدند، مهارت شغلی خود را فرا گرفته بودند و نیازی نبود پس از بلوغ نیز سالیانی را صرف یادگیری فنون و مهارت‌های مورد نیاز کنند. اما جوامع جدید چنان پیچیده شده‌اند که داشتن یک زندگی قابل قبول و متناسب با توقعات جامعه در این‌گونه جوامع، اغلب مستلزم گذراندن یک دوره بلندمدت تحصیلی است. کسب مدارک تحصیلی موجب اعتبار اجتماعی و اقتصادی افراد می‌گردد و زمینه استخدام آسان‌تر آنان را در مراکز اداری، کارخانه‌ها و مانند آن فراهم می‌کند. بنابراین، جوانان برای اینکه بتوانند در آینده از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بهتری برخوردار شوند، ناگزیرند دهه سوم زندگی خود را

نیز برای تحصیل صرف کنند. اشتغال به تحصیل امکان ازدواج بسیاری از جوانان را از بین می‌برد؛ زیرا جوانانی که از امکانات خوبی برخوردار نیستند، نمی‌توانند همراه با تحصیل، هزینه یک خانواده را تأمین کنند. تحصیلات عالی برای زنان بیشتر از این نظر اهمیت دارد که موقعیت اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد. زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً می‌توانند با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند.^(۱۹)

۳. به هم خوردن توازن دختر و پسر آماده ازدواج در روستاها: طبق آمارها، به علت مهاجرت پسران روستایی به شهرها برای جست‌وجوی کار، جمعیت دختران روستایی آماده ازدواج دو برابر گذشته شده است. بنابراین، مشکل قبلی، یعنی عدم توازن پسر و دختر، در جوامع روستایی نمود بیشتری دارد. از سوی دیگر، پسران شهری نیز تمایلی به وصلت با خانواده روستایی ندارند و در نتیجه، دختران روستایی شانس کمتری نسبت به سایر افراد دارند. شاهد این مطلب وجود دختران مجرد و با سنین بالا در روستاهاست که به انتظار آمدن خواستگار نشسته‌اند.

ب. عوامل اقتصادی

یکی از عمده‌ترین دلایل تأخیر ازدواج از نظر جوانان، عوامل اقتصادی است. در یک گفت‌وگوی ساده و خودمانی با جوانان، بخصوص پسران، می‌توان به آسانی فهمید که علت نداشتن تمایل به ازدواج در بیشتر آنها برخوردار نبودن از شغل،

سالگی) و دلیل آن بیشتر این بود که رشد اقتصادی آمریکا پس از جنگ موجب گردید که مردان، به ویژه جوانان، بتوانند به راحتی شغل به دست آورده، درآمد کافی برای اداره خانواده کسب نمایند. از دهه ۱۹۶۰ سن ازدواج رو به افزایش گذاشت و عامل عمده این بود که دست‌مزد مردان جوان، به ویژه کسانی که از تحصیلات کمتری برخوردار بودند، کاهش یافت. این نتیجه‌گیری با تحقیقاتی که در کشورهای دیگر، مانند ژاپن و هندوستان، انجام گرفته نیز تأیید گردیده است.^(۲۰) بنابراین، عدم توان اقتصادی کافی انگیزه ازدواج جوانان را پایین می‌آورد و اجازه نمی‌دهد آنان در سن پایین ازدواج کنند.

اما گاهی داشتن توان اقتصادی مانند داشتن شغل، مانع ازدواج می‌شود و آن در صورتی است که دختران شاغل باشند. بسیاری از دخترانی که شغلی برای خود دست و پا می‌کنند و مشغول به کار می‌شوند، رغبت خود را نسبت به ازدواج از دست می‌دهند. دلایلی که موجب کاهش میل آنها به ازدواج می‌شود عبارتند از:

۱. دختران وقتی شاغل می‌شوند، نوان اقتصادی‌شان بالا می‌رود و به استقلال اقتصادی می‌رسند. از آنجایی که یکی از انگیزه‌های دختران برای ازدواج، نیاز اقتصادی است و از مجرد ماندن خود احساس سربار خانواده بودن دارند، با رسیدن به استقلال اقتصادی، این انگیزه در آنها از بین می‌رود و در نتیجه، می‌بینیم بسیاری از آنان رغبت چندانی به ازدواج ندارند.

برخی از صاحب‌نظران غربی نیز بر نقش عناصر

مسکن و تهیه لوازم و ضروریات زندگی و جشن ازدواج است. در این بین، خانواده‌های دختران هم مشکل تهیه جهیزه را سد بزرگی برای ازدواج دخترانشان می‌دانند، بخصوص خانواده‌هایی که چند دختر با فاصله‌های سنی کم، پشت سرهم دارند.

هزینه‌های مالی یک خانواده بسیار گسترده و متنوع است؛ هزینه‌های مسکن، خوراک، پوشاک، درمان، تفریحات اعضای خانواده، تحصیلات فرزندان، رفت و آمد و مانند اینها. روشن است که تأمین کامل چنین مخارجی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که افراد به مشاغلی با درآمد کافی دسترسی داشته باشند. در غیر این صورت، هرچند ممکن است تعداد کمی از جوانان به ازدواج روی آورند و زندگی فقیرانه‌ای را در پیش گیرند، ولی معمولاً افراد ترجیح می‌دهند تا زمانی که شغل مناسبی به دست نیآورده‌اند، ازدواج نکنند.

به هر حال، عوامل اقتصادی که در تأخیر ازدواج نقش دارند، به اختصار عبارتند از: تهیه جهیزه که یکی از رسوم ایرانیان است؛ تهیه مسکن اگرچه در حد اجاره یک منزل کوچک؛ بیکاری پسران و نداشتن شغل مناسب و بالا رفتن هزینه‌های زندگی. این موضوع با قدری تفاوت در رسوم، در سایر کشورها نیز نمود پیدا می‌کند.

برای توضیح این مطلب، «اداره آمار آمریکا» درباره تغییرات سن ازدواج در بین سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۰۰ گزارش داده است: در سال ۱۹۵۶ میانگین سن ازدواج در این کشور به پایین‌ترین حد خود رسید (برای مردان ۲۲/۵ و برای زنان ۲۰/۱)

شدن پسر که سبب زیاد شدن انگیزه ازدواج است) انگیزه او را نسبت به ازدواج کاهش می‌دهد. این عامل امروزه در کشورهای غربی تأثیر چشمگیری در کاهش رغبت دختران به ازدواج دارد و حتی بسیاری از دختران و زنان غربی به خاطر همین عامل، تا آخر عمر مجرد می‌مانند که خود می‌تواند سبب به وجود آمدن بسیاری از مشکلات اجتماعی و اخلاقی شود. در کشور ما نیز تأثیر شغل دختران در تأخیر ازدواج، گرچه مثل جوامع غربی نیست، ولی کمابیش دیده می‌شود و خطر گسترده‌تر شدن آن، وجود دارد.

ج. عوامل فرهنگی

گرچه کشور ما از یک فرهنگ غنی و کامل اسلامی برخوردار است، ولی به دلایلی همچون نفوذ فرهنگ بیگانه و مانند آن، این فرهنگ کم رنگ شده و سفارش‌های اکید اسلام به تعجیل در ازدواج و کراهت از تأخیر آن، تا حدی بین جوانان به فراموشی سپرده شده است. جوان ایرانی که در گذشته مهم‌ترین برنامه‌اش در اولین فرصت، ازدواج و تشکیل زندگی بود، امروز دیگر این‌گونه فکر نمی‌کند و حتی عدهٔ خیلی کمی از زمان ازدواج را مختص میان‌سال می‌دانند. بنابراین، نفوذ فرهنگ غربی به ذهن جوانان ما یکی دیگر از عوامل مهم در تأخیر ازدواج و عدم رغبت جوانان به ازدواج بموقع است و ترس این وجود دارد که این فرهنگ مخرب، گسترده و فراگیر شود. به هر حال، عوامل فرهنگی را می‌توان از سه جهت در تأخیر سن ازدواج مؤثر دانست:

۱. متروک شدن ارزش‌های معنوی: متروک شدن

فرهنگی تأکید کرده و اظهار داشته‌اند: زنان به دلیل آنکه مزایای اقتصادی اشتغال، امنیت و رضایت شخصی بیشتری در مقایسه با ازدواج برایشان فراهم می‌آورد، به اهداف شغلی اولویت بیشتری داده، در نتیجه، ازدواج را به تأخیر می‌اندازند.^(۲۱) بنابراین، دخترانی که به ازدواج به عنوان یک تکیه‌گاه اقتصادی نگاه می‌کنند، اگر با به دست آوردن شغل به منبع اقتصادی خوبی برسند، دلیلی برای ازدواج ندارند و تا مجبور نشوند، ازدواج نمی‌کنند؛ چنان‌که وجود این عامل در زنان بیوه نیز بزرگ‌ترین مانع برای تن دادن آنها به ازدواج مجدد است.

۲. داشتن شغل از این نظر که هم منبع اقتصادی و هم سرگرمی خوبی است که می‌تواند در انسان نشاط و شادی به وجود آورد، جایگاه خاصی در بین دختران دارد. گاهی علاقه به شغل در دختران چنان زیاد می‌شود که به خاطر ترس از دست دادن آن، ازدواج نمی‌کنند و خواستگاران را به بهانه‌های گوناگون رد می‌کنند. بنابراین، یکی از انگیزه‌های ازدواج دختران، که بیرون آمدن از تنهایی و انس گرفتن به همسر است، با شاغل شدن آنان از دست می‌رود؛ زیرا نزد آنها شغل به جانشین مناسبی برای ازدواج تبدیل شده است.

۳. دختری که شاغل است، معمولاً خواستگاران بیشتری نسبت به سایر دختران دارد. به همین دلیل از تأخیر انداختن ازدواج و اهمه‌ای ندارد؛ زیرا شانس خود را برای ازدواج - حتی اگر سن او هم افزایش پیدا کند - زیاد می‌بیند.

بنابراین، شاغل شدن دختر، (بر عکس شاغل

با هم زندگی می‌کردند و این رقم در سال ۱۹۹۸ به ۴,۲۳۶,۰۰۰ نفر رسید. افزون بر این، میزان همسانی و سازگاری از جمله دلایلی است که بسیاری از زوج‌های همخانه، که بعدها با یکدیگر ازدواج می‌کنند، برای تأخیر ازدواجشان مطرح می‌نمایند. (۲۳)

بنابراین، فرهنگ غربی، ازدواج را مانعی بر سر راه آزادی و لذت بردن بی‌حد و حصر از شهوات می‌داند و به همین دلیل، بنیان خانواده در غرب به شدت متزلزل است. متأسفانه این فرهنگ در بین برخی از جوانان ما نفوذ کرده و آنان را از ازدواج دور کرده است. برخی از جوانان امروزی تنها کارکرد ازدواج را «کارکرد جنسی» می‌دانند و با برخوردارگی کمابیش آزاد از تمتعات جنسی، نیازی در خود به ازدواج نمی‌بینند، مگر آنکه به سنین بالا برسند و دیگر توان گذشته را از دست بدهند که در این صورت، همسر برای آنان حکم پرستار را خواهد داشت.

۳. آرمانگرایی جوانان: بعضی از جوانان امروزی به علت خام و نپختگی زیادشان، که هیچ تناسبی با زندگی پیچیده کنونی ندارد، و نیز به علت عدم اعتماد به تجربه‌های والدین و قدیمی دانستن آنها، از واقعیت‌های زندگی بی‌اطلاع مانده‌اند و در نتیجه، نمی‌توانند درباره‌ی موضوعی همچون ازدواج، واقعگرا باشند، بلکه آرمانی فکر می‌کنند و در عالم خیال زندگی می‌کنند. این طرز تفکر یکی از دو پیامد منفی ذیل را دارد: یا ازدواج نمی‌کنند و منتظر همسری آرمانی هستند و یا ازدواجی از روی احساسات می‌کنند که نتیجه‌ی آن شکست خوردن و سرخورده شدن از ازدواج است.

ارزش‌های معنوی و جایگزین شدن ارزش‌های مادی سبب شده است جوانان به همه چیز، از جمله ازدواج، رنگ و لعاب مادی بدهند و به جای آنکه کسب فضایل انسانی را هدف خود در زندگی قرار دهند و ازدواج را عاملی برای نزدیک‌تر شدن به خدا و کامل شدن ایمان بدانند، در به دست آوردن ثروت دنیا و نمایاندن ظواهر فریبنده‌ی زندگی مادی، مسابقه بگذارند. این طرز تفکر همه چیز از جمله ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما جوانی که دغدغه‌ی اصلی‌اش حفظ و کامل شدن ایمان و دین‌داری است، به ازدواج به عنوان مکمل ایمان نگاه می‌کند و آن را یکی از عوامل و زمینه‌های کمال می‌داند و از این‌رو، تمام امکانات خود را برای به دست آوردن آن بسیج می‌کند.

۲. نفوذ فرهنگ آزادی جنسی غرب: از مهم‌ترین انگیزه‌های ازدواج، نیاز جنسی انسان و علاقه به جنس مخالف است. با توجه به این واقعیت، اگر جامعه‌ای به اعضای خود اجازه دهد بدون ازدواج و پذیرش مسئولیت‌هایی که در ازدواج متوجه آنان می‌گردد، بتوانند با یکدیگر روابط جنسی برقرار کنند، طبیعی است که دیگر دست‌یابی به شریک جنسی نمی‌تواند انگیزه‌ی اولیه ازدواج باشد و در نتیجه، شمار زیادی از جوانان ترجیح می‌دهند از ازدواج امتناع ورزند و نیاز جنسی خویش را با هزینه‌های کمتر برآورده سازند. از این‌رو، بالا رفتن سن ازدواج در کشورهای غربی، با رشد همخانگی یا زندگی مشترک زنان و مردان ازدواج نکرده، همراه بوده است. (۲۲) بنابراین گزارش «اداره‌ی آمار آمریکا»، در سال ۱۹۶۰ تعداد ۴۳۹,۰۰۰ زن و مرد در این کشور وجود داشتند که بدون ازدواج

عوامل و راهبردهای کاهش سن ازدواج

برای مبارزه با معضل اجتماعی بالا بودن سن ازدواج، راه حل‌های زیادی وجود دارد که کمابیش از گذشته مطرح بوده و فراروی مسئولان و متصدیان کشور قرار داشته است. به نظر می‌رسد دیگر زمان دادن راه حل تمام شده و باید در مسیر عملی ساختن این راه‌حل‌ها قدم برداشت. تنها راه‌هایی از این مشکل آن است که ملت و دولت دست به دست هم دهند و با برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، سعی در رفع این مشکل بزرگ داشته باشند. شاید نقطه آغازین و در عین حال، بسیار مهم حل مشکل این باشد که ابتدا سعی کنیم تفکر و شناخت جوانان را عوض کنیم و آنان را از مادی‌گرایی و سطحی‌نگری، به معنویت و توجه خدا و دین‌باوری، سوق دهیم. حال با توجه به عوامل افزایش سن ازدواج - که ابتدای مقاله بررسی شد - راهبردها و عوامل کاهش سن ازدواج نیز در همان قالب مطرح می‌شوند:

الف. راهبردهای فرهنگی

همان‌گونه که گفته شد، تغییر نگرش‌ها و شناخت‌های افراد کمک زیادی به تغییر رفتار آنان می‌کند، و هر تغییری بدون داشتن زیرساخت‌های فکری محکم، دوامی نخواهد داشت. وظیفه مهم متصدیان امور فرهنگی مثل حوزه، دانشگاه، صدا و سیما، مطبوعات، هنر و مانند آن، این است که در این زمینه، برنامه‌ریزی جدی داشته باشند. کارهایی که می‌توان در این زمینه انجام داد، عبارتند از:

۱. ارزش دانستن تأهل: اگر تأهل و همسر داشتن به عنوان یک ارزش، و تجرد ضد ارزش تلقی شود، همان‌گونه که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام آمده است، کمک زیادی به تغییر نگرش افراد نسبت به سن ازدواج می‌شود. (۲۴) لازمه این کار آن است که فرهنگ دینی در ازدواج، جایگزین فرهنگ مادی گردد و نگرش جوانان ما به ازدواج همان نگرش اولیای دین باشد که به آن به عنوان وسیله‌ای برای نزدیک شدن به خدا نگاه می‌کردند. (۲۵)

۲. درجه‌بندی ملاک‌های انتخاب همسر: در فرهنگ دینی، مهم‌ترین ملاک برای انتخاب همسر، ایمان و اخلاق است و ملاک‌های دیگر از اهمیت کمتری برخوردارند. (۲۶) این در حالی است که در جامعه کنونی ما، ملاک‌هایی همچون مدرک، ثروت، پست و مقام و به طور کلی، مظاهر مادی بیشترین اهمیت را دارند. به همین دلیل، تمام تلاش جوانان این شده است که از هر راهی، امتیازات مزبور را به دست آورند و از این طریق، به مقبولیت اجتماعی کافی برسند. اما به دلیل آنکه رسیدن به این ملاک‌ها، زمان زیادی می‌طلبد، به ناچار از ازدواج در ابتدای جوانی محروم می‌شوند و بدین‌روی، سن ازدواج افزایش می‌یابد. اگر مسئولان فرهنگی کشور ارزش‌های واقعی را، که ایمان و اخلاق در صدر آن است ترویج کنند، نه تنها سن ازدواج کاهش پیدا می‌کند، بلکه بسیاری از مشکلات دیگر نیز حل خواهد شد.

۳. گسترش فرهنگ حجاب: در جامعه‌ای که فرهنگ «حجاب» حاکم باشد و رابطه با نامحرم طبق موازین شرعی باشد و از اختلاط‌های مضر و فسادانگیز بین

اهمیت موضوع را درک کنند و متوجه این موضوع باشند که چه خطرهای بزرگی فرزندان دانشجوی آنها را تهدید می‌کند و چه مشکلات روحی و روانی زیادی در اثر تأخیر ازدواج برای آنان به وجود می‌آید که با ازدواج کردن تمام یا بیشتر این مشکلات حل می‌شود؛ ثانیاً، با برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ و کمک دانشگاه‌ها و دیگر نهادهای ذی‌ربط به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که دانشجویان با حداقل امکانات بتوانند ازدواج کنند و در عین حال، درس خود را نیز ادامه دهند. جوان دانشجوی اگر امکان ازدواج داشته باشد، حتی به صورت ماندن در دوران عقد و نامزدی قبل از عروسی، هم از برکات مادی و معنوی ازدواج بهره‌مند می‌شود و هم با انگیزه بیشتری درس و تحصیل را دنبال می‌کند. دانشجوی اگر احساس کند آینده روشنی دارد و می‌تواند مسئولیت زندگی را، که با ازدواج بر عهده او گذاشته شده است، به دوش کشد، کمتر به دنبال فعالیت‌ها و برنامه‌های غیردرسی و حتی ضددرسی می‌رود، بلکه تمام سعی و همت خود را صرف بهتر کردن زندگی و بالاتر بردن سطح آن می‌کند.

ب. راهبردهای اقتصادی

عوامل اقتصادی یکی از عمده‌ترین دلایلی است که جوانان برای تأخیر ازدواج خود مطرح می‌کنند. برای اینکه این عامل مهم را کاهش بدهیم، در دو جهت باید برنامه‌ریزی کنیم:

۱. حتی الامکان هزینه‌ها را کاهش بدهیم.

۲. منابع اقتصادی و تولید ثروت را برای جوانان

پسر و دختر پرهیز شود، زمینه برای ارضای نامشروع نیازهای جنسی بسیار کم می‌شود و در نتیجه، تمتعات جنسی منحصر به خانواده و ازدواج می‌گردد. همین امر موجب می‌شود احساس نیاز به ازدواج در جوانان افزایش یابد و آنها زودتر ازدواج کنند. اگر فرهنگ حجاب کم‌رنگ شود و پسران و دختران محدودیت زیادی در ارتباط با یکدیگر نداشته باشند، انگیزه آنان برای ازدواج کاهش می‌یابد و در نتیجه، سن ازدواج بالا می‌رود؛ چنان‌که یکی از علل فرار جوانان غرب از ازدواج همین موضوع است؛ زیرا ازدواج را مانع آزادی بی‌حد و حصر خود می‌بینند.

۴. گسترش فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی: اگر در جامعه ساده‌زیستی و استفاده از حداقل امکانات مادی ارزش گردد و یا - دست‌کم - ضد ارزش نباشد، سن ازدواج کاهش پیدا می‌کند؛ اما اگر داشتن خانه و اتومبیل مدل بالا و امکانات مادی ارزش شود و چشم و هم‌چشمی‌های زیان‌آور گسترش یابد، جوان امروزی ما ناچار است به دنبال تهیه آن برود و تا وقتی آن را تهیه نکرده است، ازدواج نکند. در نتیجه، از داشتن خانواده در سن جوانی، محروم می‌ماند.

۵. ازدواج در خلال تحصیل: همان‌گونه که گفته شد، یکی از عوامل افزایش پیدا کردن سن ازدواج، تحصیل است. اگر به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که دانشجویان قادر باشند در خلال تحصیل، ازدواج کنند، سن ازدواج در بین این قشر، که مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش جامعه هستند، کاهش پیدا می‌کند.

این امر مشروط بر این است که خانواده‌ها اولاً،

فراهم کنیم.

بنابراین، راهبردهای ذیل می‌توانند ما را در عملی ساختن دو هدف مزبور یاری دهند:

۱. کاستن از هزینه‌های اضافی: بسیاری از هزینه‌هایی که در زندگی صرف می‌شود، اعم از هزینه‌های جشن عقد و عروسی، یا جهیزیه، مسکن و سایر لوازم زندگی، ضرورت ندارد و امکان حذف یا کاهش آنها هست. اگر پسر و دختر و خانواده‌هایشان تصمیم بگیرند هزینه‌های غیرضروری را حذف کنند و به حداقل امکانات اکتفا نمایند، امکان ازدواج برای بیشتر جوانان فراهم می‌شود. اینکه جوانان ما یا خانواده‌هایشان این تصور را داشته باشند که در ابتدای زندگی، باید از همه یا بیشتر امکانات مادی برخوردار باشند و در برگزاری مراسم عقد و عروسی، هزینه‌های سنگینی بر یکدیگر تحمیل کنند، نتیجه‌ای نخواهد داشت جز فرار جوانان از ازدواج.

۲. همیاری در هزینه‌های ازدواج: همان‌گونه که خداوند همه مردم جامعه را به یاری جوانان برای ازدواج و تشکیل زندگی دعوت می‌کند، همه افراد، بخصوص افراد متمول، وظیفه دارند در این امر خیر شرکت کنند. همچنین اگر ترتیبی داده شود که افراد نزدیک به خانواده پسر و دختر، به صورت یک رسم و عادت نیکو، بخشی از هزینه‌های ازدواج را به عهده بگیرند، کمک بزرگی به تحقق این هدف می‌شود. این پیشنهاد گرچه ظاهر ساده‌ای دارد، ولی در عمل، تأثیر شگفت‌انگیزی در هموار ساختن مسیر ازدواج جوانان از خود به جای می‌گذارد و چون این مشکل

عمومیت دارد و هرکسی خود را محتاج کمک می‌بیند، همه مردم در این امر خیر شرکت خواهند کرد.

۳. پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه برای ازدواج: قرض‌الحسنه، که یکی از سنت‌های خوب و گره‌گشای اسلامی است و در آیات فراوانی از قرآن بدان تشویق و تأکید شده،^(۲۷) تأثیر فوق‌العاده‌ای در حل مشکلات اقتصادی جامعه دارد. اگر این سنت حسنه، که امروز در گوشه و کنار جامعه تحت عنوان «وام ازدواج» وجود دارد، گسترش یابد و وام‌های طولانی مدت و کم‌بهره به جوانان برای ازدواج و تهیه وسایل زندگی داده شود - چنان‌که از برنامه‌های مهم دولت جدید شمرده شده است - کمک زیادی به ازدواج جوانان و در نتیجه، کاهش سن ازدواج، خواهد شد.

۴. ایجاد شغل‌های پاره وقت در دوران تحصیل و نماندن آن: امروز دغدغه اصلی جوانان و به ویژه دانشجویان، اشتغال است. متأسفانه در آموزش و پرورش و آموزش عالی ما طوری برنامه‌ریزی نشده است که همه فارغ‌التحصیلان خود را به ابزار و فنون شغلی مجهز کنند؛ همان‌گونه که نیروی نظامی نتوانسته است برای سربازان وظیفه، که خیل عظیمی از جوانان کشورند، در این زمینه کاری بکند و دست‌کم هر یک از آنان را در مدت سربازی به فن یا صنعتی مجهز کند. البته کارهایی در تحقق این هدف انجام داده‌اند، ولی اصلاً کافی نیست. برای مثال، اگر دانشجوی جوان ما بتواند در خلال تحصیل، شغل مناسبی داشته باشد، می‌تواند بسیاری از هزینه‌های زندگی خود را تأمین کند. لازمه این کار آن است که

مشکل همگانی است و همه افراد به گونه‌ای با آن درگیرند.

۲. گسترش مراکز مشاوره ازدواج: یکی از دلایلی که جوانان را از ازدواج دور کرده، نداشتن اطلاعات صحیح از ازدواج و وجود بدبینی‌های بی‌مورد است. بسیاری از جوانان نسبت به اصل ضرورت ازدواج بی‌اطلاعت و برخی هم از افکار ناصحیح و خرافی در این زمینه رنج می‌برند. وجود مراکز مشاوره ازدواج کمک شایانی به جوانان می‌کند و دغدغه‌های بی‌مورد آنان را برطرف می‌سازد.

۳. کنترل مهاجرت روستاییان به شهرها: از بین تمام خسارت‌ها و ضررهایی که در مهاجرت روستاییان به شهر وجود دارد، مشکل افزایش سن ازدواج، جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر بتوان با افزایش امکانات زندگی در روستاها و ایجاد اشتغال برای آنان، از مهاجرت آنها جلوگیری کرد و آنان را به ماندن در روستا و تولید محصولات کشاورزی و دامی و امثال آن تشویق نمود، علاوه بر حل بسیاری از مشکلات اجتماعی، از افزایش سن ازدواج نیز جلوگیری خواهد شد.

۴. جلوگیری از بی‌بند و باری و ابتذال و فساد اخلاقی: یکی از راه‌های پیشرفت جامعه پیاده کردن قانون اساسی و جلوگیری از متخلفان و برهم زدنگان نظم و قانون است. اگر از فساد و ابتذال، بخصوص در حوزه اخلاق و مسائل جنسی، جلوگیری نشود و با افراد متخلف برخورد جدی صورت نگیرد و در مقابل تهاجم و شیبخون فرهنگی دشمن، سیاست تسامح و تساهل اجرا شود، جامعه چنان دچار آشفتگی می‌شود که اولین ضرر آن متوجه نهاد مقدس خانواده

آموزش‌های کاربردی و فنی در طول تحصیل گسترش یابد و تعداد واحدهای نظری غیر ضروری کاهش پیدا کند.

۵. تشویق به زندگی در کنار خانواده یکی از زوجین: در زمان‌های گذشته اکثر جوانان، ابتدای زندگی خود را در کنار والدینشان آغاز می‌کردند و به مرور زمان سعی می‌کردند با پس انداز و امثال آن، از پدر و مادر خود جدا و مستقل شوند، اگر بتوان این فرهنگ را دوباره زنده کرد و جوانان و خانواده‌هایشان را به پذیرش این امر تشویق کرد، کمک زیادی به حل مشکل ازدواج می‌شود.

ج. راهبردهای اجتماعی

به دلیل آنکه جامعه مجموعه‌ای از واحدهای کوچک‌تر به نام «خانواده» است، بهترین جایگاه کمک به ایجاد خانواده و فراهم ساختن ازدواج جوانان، خود جامعه است. از این‌رو، برای حل مشکل ازدواج جوانان و جلوگیری از افزایش سن ازدواج، چاره‌ای جز همکاری و همیاری همه افراد آحاد جامعه نیست. راهبردهای اجتماعی، که می‌توان در این زمینه ارائه داد، به قرار ذیل است:

۱. فراهم کردن شرایط ازدواج آسان: دولت مردان و متصدیان امور اجتماعی وظیفه دارند به عنوان انجام یک کار جدی، برنامه دقیق برای حل این مشکل ارائه دهند. همچنین با تشویق مردم، بخصوص افراد متمول، جوانان را در این امر یاری دهند. مسلماً اگر دولت و مسئولان امر، قدمی در این راه بگذارند، همه مردم به کمک آنها می‌شتابند؛ زیرا این یک

می‌شود و جایگاه آن را تضعیف می‌کند. امروز کم نیستند جوانان پاک و مؤمنی که شریک زندگی مناسبی برای خود نمی‌یابند. تأثیر مخرب گسترش فساد و فحشا و ابتذال و بخصوص مواد مخدر بر تزلزل کانون خانواده و بدبینی جوانان به ازدواج، چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. اگر متصدیان اجتماع برای مبارزه با مفاسد اخلاقی کمر همت ببندند و این دام‌های خطرناک را از جلوی جوانان بردارند، برکات زیادی نصیب جامعه کرده‌اند که یکی از آنها هموار شدن راه ازدواج جوانان است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آثار جسمانی، روانی، اجتماعی و فرهنگی ازدواج، باید موانع پیش روی را برطرف نمود و تمام تلاش خود را صرف کرد تا این سنت الهی در اوایل جوانی به انجام برسد و جوانان از فواید بی‌شمار آن برخوردار شوند و در یک زندگی بالنده و بانشاط و به دور از دغدغه و انحراف، قرار گیرند. این مهم با همت آحاد مردم و خانواده‌ها و مسئولان فرهنگی و اقتصادی کشور از طریق فرهنگ‌سازی، مبارزه با اعتقادات غلط، کاهش تجمل‌گرایی، احساس مسئولیت بیشتر در رابطه با جوانان، کمک مالی و معنوی به فرزندان، پیروی از دستورات دینی، اختصاص منابع مالی بیشتر به ازدواج جوانان، و تشویق و ترغیب به ازدواج حاصل می‌آید.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ر.ک. محسن ایمانی، «ازدواج در سنین بالا»، مجله اصلاح و تربیت، ش ۶۳ (فروردین ۱۳۷۹)، ص ۱۳.
- ۲- ر.ک. ۲۱.
- ۳- شیخ حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۶، ج ۲۰، ص ۴۴.
- ۴- مولی محسن فیض کاشانی، محجة‌البیضاء، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۵۴.
- ۵- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه‌الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۹۳.
- ۶- همان، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰.
- ۷- همان، ص ۲۱۹.
- ۸- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۷ / محمد محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۴، باب ۱۶۳۶.
- ۹- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۴۵.
- ۱۰- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۲۱۷ / شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۴۳.
- ۱۱- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۴۵.
- ۱۲- عبدالعلی بن جمعه حویزی، نورالشفیقین، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۵۹۷.
- ۱۳- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۷۱، ص ۸۰.
- ۱۴- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۱، ص ۴۸۲.
- ۱۵- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۲۳ / شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۶۱.
- ۱۶- شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۶۱ و ۱۰۴.
- ۱۷- حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳، ص ۲۸.
- ۱۸- غلامرضا صادقیان، «سن ازدواج چرا افزایش یافته است؟»، روزنامه کیهان، ش ۱۷۱۳۰، ۱۹ تیر ۱۳۸۰، ص ۵.
- ۱۹- حسین بستان، پیشین، ص ۲۳.
22. Spanier, Graham B. (1991), "Cohabitation: Recent Changes in the U.S." in John N. Edwards and David H. Demo (ed) marriage and Family in Transition, Boston and London: Allyn and Bacon.
- ۲۳- حسین بستان، پیشین، ص ۲۵.
- ۲۴- ر.ک. محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۲۱۸-۲۲۵.
- ۲۵- رسول خدا ﷺ نظر امام علی را درباره ازدواج با حضرت فاطمه زهرا پرسید، ایشان پاسخ دادند: «نعم العون علی طاعة الله» باور خوبی برای من در اطاعت از خداست. (محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۴۳، ص ۱۱۷).
- ۲۶- پیامبر اکرم ﷺ در روایتی فرمود: کسی که از دین و اخلاق خوبی برخوردار است، اگر به خواستگاری دخترتان آمد، به او همسر بدهید؛ زیرا اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین ایجاد کرده‌اید. (شیخ حرّ عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۸۶).
- ۲۷- ر.ک. بقره: ۲۴۵ / مائده: ۱۲ / حدید: ۱۸ و ۱۹ / تغابن: ۱۷ / مزمل: ۲۰.